

«چرا گریه نمی کنی؟» این ها و برخی فیلم هایی که بدون بهره مند شدن از فرصت اکران رسمی، به صورت غیرقانونی منتشر شدند، فیلم هایی بودند که می توانستند روی جریان فکری اثر بگذارند. شاید این اشاره ضروری باشد که برخی از فیلم هایی که کلاً به صورت غیرقانونی پخش شدند، فیلم های مورد علاقه من نیستند، اما این بی علاقه گویی شخصی دلیلی برای موافقت احتمالی ام با بسته شدن راه نمایش عمومی و رسمی این نوع فیلم ها نیست.

نقش وزارت ارشاد و سازمان سینمایی را چگونه ارزیابی می کنید؟

قاعداً بخشی از موقعیتی که در آن قرار داریم به سیاست گذاری در وزارت ارشاد مربوط می شود. حقیقتش را بخواهید من وزیر ارشاد فعلی را وزیر خوبی می دانم. به نظر من وزیر ارشاد است که به خاطر نرم خویی، ملاطفت و آرامشی که در وجودش هست و ارتباطات خوبی که با وزارتخانه های دیگر دارد، می تواند سینما را متحول کند و به یک وفاق ملی برساند. اما تعجب می کنم که با وجود چنین وزیر خوب و کارآمدی که اتفاقاً بیشتر وقت ها متبسم و گشاده روست و مردی است که دنبال تسهیل امور است، چرا در برخی از بخش ها ضعف همچنان باقی است. ناگفته نماند برخی از آدم های مهم در سازمان سینمایی، از دوستان بنده هستند و با شناختی که از آن ها دارم، تردیدی ندارم آن ها افراد مصلحی هستند. اما چرا برایند وزارتخانه در حوزه سینما همچنان با نقدهای جدی همراه است؟! به نظر من وزیر آدمی نیست که هر چیزی به او برخورد، سعه صدر دارد، مثبت اندیش است، و



پدیده ای که ما الان به عنوان فیلم کمدی با آن مواجه هستیم یک نوع فیلم پوچ و توخالی است که فقط به دنبال مسرور کردن لحظه ای تماشاگران است و بیشتر شبیه به یک جور مطرب بی است که می خواهد با آواز و رقص یک دقیقه ای یک احوالاتی را به مخاطبش بدهد و بعد هم تمام! هیچ جای دنیا کمدی حتی در پر جلاترین شکل اش، صاحب چنین جاه و جلالتی نیست که بتواند این چنین در رقت بارترین شکل اش، عرصه را از گونه های دیگر خالی کند

صاحب منصبان قرار می دهند! که وقت ارائه آمار و ارقام و بیلان گفته شود سینمای ایران این قدر مخاطب و فروش داشته و این میزان نسبت به سال گذشته یا دوره قبل از این مدیریت یا آن سکان دار، یا در قیاس با فلان زمان خیلی پر بارتر بوده و ما موفق شدیم تماشاگران بیشتری را به سینما بکشیم و سینما را نجات دهیم! بله! ظاهراً این وضعیتی است که به نفع خیلی هاست. به نفع خیلی ها به جز آن هایی که به سینما جدی تر نگاه می کنند و به شکل متفکرانه و یا لزوماً کسب و پیشه به آن نگاه نمی کنند.

در چنین وضعیتی آیا نقطه قوتی هم در سینمای ۱۴۰۲ دیده شد؟

بله قطعاً. شخصاً در فیلم هایی که محصول ۱۴۰۱ بودند و در ۱۴۰۲ اکران شدند یا می توانستند اکران شوند، نقطه های روشن زیادی می دیدم که این ها می توانستند به سینما کمک کنند. اما این فیلم ها عملاً به حاشیه رانده شدند. اصلاً جریان اکران طوری نیست که این فیلم ها بیایند و وارد شوند و در برابر فیلم های خیلی ضعیف تر از خودشان عرض اندام کنند. این فیلم ها فقط به شکل از سر واکنی نوبت اکرانی می گیرند و پس از مدتی کوتاه روانه سکوی نمایش می شوند و به فاصله خیلی کوتاهی به مجرای تلگرامی می آیند و امکان دائلود برایشان فراهم می شود. اما این که بخواهند «دیده شوند» نه. در سال گذشته فیلم های مهمی وجود داشتند مثل «جنگل پر تقال»، «در آغوش درخت»، «عطر آلود»، «آه سرد»، «اتاقک گلی» و حتی فیلم های کمی متفاوت تر و تک افتاده تری مثل «بعد از رفتن» و

رو رفته رفته فیلم هایی که پا در درونمایه، یا در فهرست عوامل، افرادی دارند که نسبت به رخداد های عالم و آفاق اظهار برائت یا حمایت می کنند از گردونه نمایش حذف می شوند. چون تصور می شود در این اظهار برائت یا حمایت، نه بر گرفته از شفقت و غم خواری، بلکه ناشی از بداندیشی و بدخواهی است!

از سوی دیگر وقتی فیلم های باوقار جایشان را به فیلم های سبک سرانه می دهند، ذائقه مخاطب به این گونه فیلم ها خو می گیرد، در نتیجه فیلم هایی که دو دهه قبل حد اعتدالی موفقیت برای آن ها حضور در کنار شانه های تخم مرغ سوپرمارکت ها و فروخته شدن در کنار نان باگت و خیار شور و روغن مایع تصور می شد، حالا سردر بزرگ ترین سینماها را در تصرف و تملک خود در می آورند و قلمرو قدرتشان پرده های عریض سالن های سینما را تصاحب می کند. معادلات پول و تجارت راه خودشان را باز می کنند. سینما داراها بهانه های خودشان را در مورد هزینه هایشان فهرست می کنند؛ دستمزد کارگرا، برق، آب، مالیات و غیره. می گویند ما ترجیح می دهیم فلان فیلم یک سال این جا بماند تا بتوانیم چرخ این سینما را بچرخانیم، بتوانیم حقوق کارکنانمان را بدهیم، این مکان را مرمت کنیم و چیزهای از این دست. در نتیجه آن ها هم ترجیح می دهند که میخ این فیلم ها محکم تر کوبیده شود و همین فیلم ها بمانند.

این معادله برنده های دیگری هم دارد! وقتی که این فیلم ها به فروش می روند و فروش بالایی هم دارند، طبیعتاً دم دستی ترین برهان و بییه را برای پیشرفت سینمای ایران در اختیار

